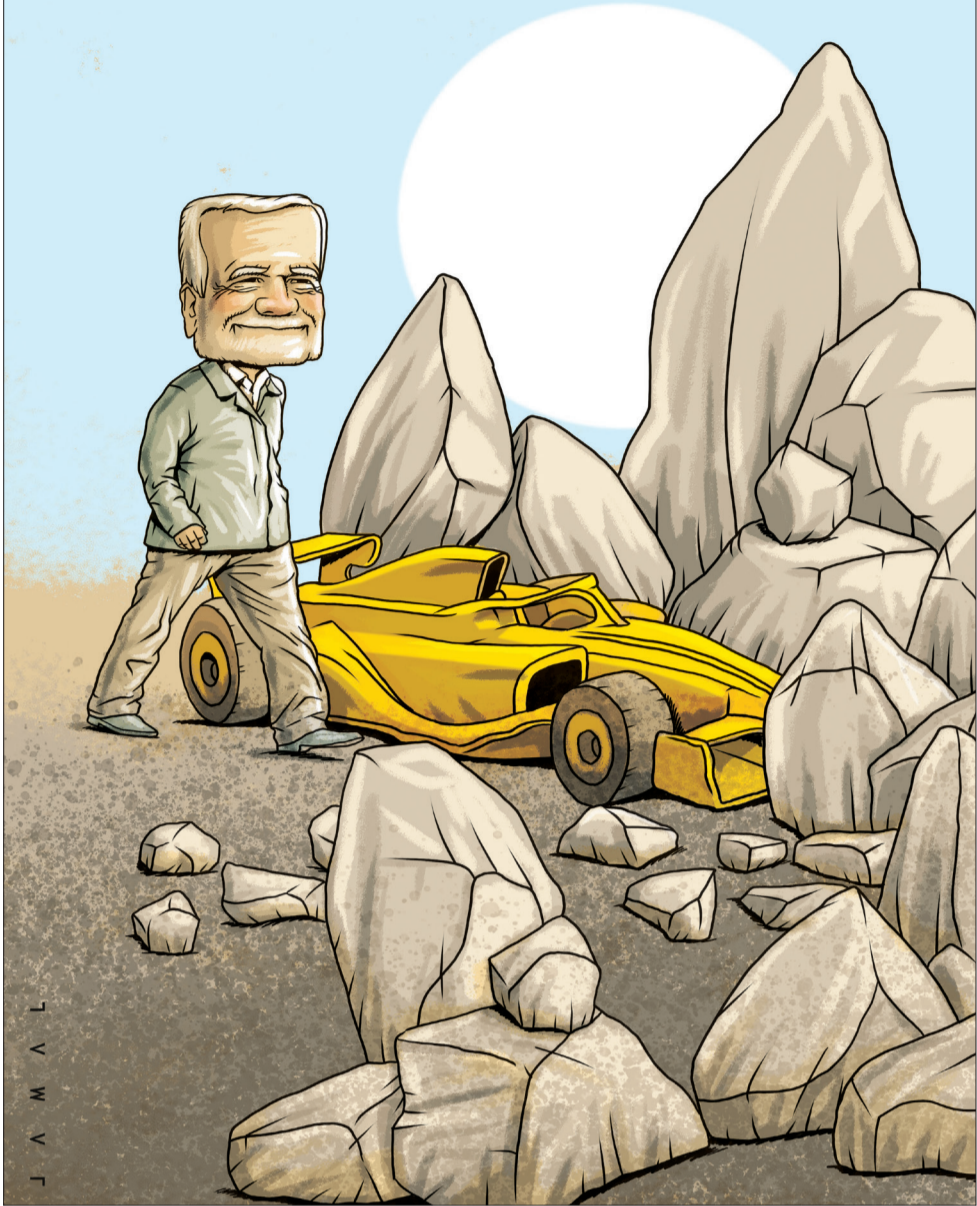




جمال رحمتی

**شروع سخت برای رئیس جمهور منتخب!**



انتخاب کنند. ولی او فعلاً در برابر این کنارگیری مقاومت می‌کند و در کنار آن نیز نشانه‌های بیشتری از ناتوانی اش عیان می‌شود. مشخص نیست که طی هفته‌های آینده چه اتفاقی رخ خواهد داد.»

ابوالفتح با اشاره به دودستگی در میان دموکرات‌ها برای حمایت یا عبور از بایدن، تأکید کرد: «بایدن با پیروزی در انتخابات مقدماتی و با کسب ۳۸۹۶ رای در حزب دموکرات به عنوان نامزد انتخابات برگزار شده، در حالی که به دست آوردن ۱۹۶۸ رای در کنوانسیون برای انتخاب به عنوان نامزد کفایت می‌کند. به همین دلیل نیز جایگاه مستحکمی در کنوانسیون دارد. اگر داوطلبانه کنار برود، این فرصت را فراهم می‌کند که حمایت موجود از او در حزب، به فرد دیگری منتقل شود. اما اگر کنار گیری نکند، برخی زمره‌ها حاکی از آن است که این حدود ۴ هزار نفر (دلیگیت‌های انتخاباتی) در کنوانسیون پیش رو به بایدن رای ندهند و تعهد خود به رای دهندگان ایالتی را پس بگیرند. چون آن‌ها معمولاً با نگاه به نتایج انتخابات مقدماتی در ایالت‌ها، به نامزد حزب رای می‌دهند. این بدترین سناریویی است که امکان وقوع آن وجود دارد. یک کودتای درون حزبی رخ داده است. چون نتیجه انتخابات مقدماتی مشخص است، نظر حزب مشخص است و نامزد مورد نظر - بایدن - حمایت بالایی به دست آورده و اگر آن را از دست بدهد، شرایط به هم می‌ریزد. به همین دلیل، بزرگان، چهره‌ها و حامیان حزب دموکرات در تلاش هستند که وضعیت به این نقطه نرسد.»

ابوالفتح معتقد است که در اختیار داشتن زمان برای انتخاب جانشین احتمالی بایدن، برای دموکرات‌ها بسیار مهم است: «نگاه دموکرات‌ها این است که بتوانند فرد مورد نظر خود را در نهایت به انتخابات بفرستند. حامیان مالی نیز در این میان بسیار تأثیرگذار هستند. آن نامزد حتی اگر رئیس جمهور آمریکا باشد، بدون حمایت حامیان مالی شانسی برای پیروزی ندارد. اگر دعوی سیاسی داخل تشکیلات دموکرات‌ها رخ دهد و شرایط به همین صورت پیش برود، این وضعیت بدتر می‌شود. جرج کلونی بازیگر مشهور سینما و از حامیان مالی بزرگ دموکرات‌ها که در هالیوود نیز نفوذ دارد، از بایدن خواست که کنار گیری کند. چند سناتور و عضو کنگره نیز همین درخواست را مطرح کردند.»

این تحلیلگر مسائل آمریکا افزود: «دموکرات‌ها و حامیان بایدن انتظار داشتند او بعد از آن نمایش ضعیفی که در مناظره سه هفته پیش با ترامپ داشت، در اجلاس ناتو و نشست خبری پنجشنبه قوی ظاهر شود. اما با همان قضیه اشتباه گرفتن زلنسکی و پوتین، جایگاهش در افکار عمومی را پایین تر آورد. البته ذکر این نکته بسیار مهم است که بایدن در کنار منتقدان و کسانی که قائل به لزوم کنار گیری او هستند، حامیان قدرتمندی نیز دارد. چندی پیش اعلام شد که یک جریان محافظه‌کار درون حزب دموکرات اعلام کرده در صورتی که فشار به بایدن افزایش و ادامه پیدا کند، کار را به دادگاه خواهد کشاند که نام نامزد حزب در برهه‌های رای گیری قرار نگیرد. بنابراین، وضعیت مدام پیچیده‌تر می‌شود و صغبندی درون دموکرات‌ها بیشتر خود را نشان می‌دهد. بایدن هم نتوانسته است که از خود یک چهره سالم و قدرتمند به نمایش بگذارد. به همین دلیل باید ببینیم این شرایط به کجا ختم می‌شود. باید دید که اگر این رویارویی و اختلافات داخلی ادامه پیدا کند و دموکرات‌ها رو در روی یکدیگر قرار بگیرند، ترامپ از فرصت استفاده می‌کند و رئیس جمهور می‌شود، یا نه.»

او ادامه داد: «نوع برخورد و شخصیت ترامپ با تمام نامزدهای ادوار مختلف انتخابات‌های آمریکا که تاکنون دیده‌ایم متفاوت است. ترامپ رفتار خود را بر اساس نقاط ضعف طرف مقابل تنظیم می‌کند. به نقاط ضعف حریف حمله می‌کند تا توجه مردم را به خود جلب کند. در خصوص بایدن، تمرکز ترامپ بر ضعف‌های رفتاری، نحوه صحبت کردن و جملات ناتمام اوست. این مسئله باعث تمسخر ترامپ نیز شده بود. بخش دیگری از حملات ترامپ به بایدن، به سیاست‌های آمریکا در قبال درگیری‌های جهان برمی‌گردد و با استفاده از آن‌ها به رقیب حمله می‌کند. مثل خروج آمریکا از افغانستان و قدرت گرفتن مجدد طالبان، افزایش قدرت و نفوذ چین، جنگ در خاورمیانه و همچنین جنگ روسیه و اوکراین. به غیر از اینکه ترامپ با استفاده از نقاط ضعف به رقیبش حمله می‌کند، نمی‌توانیم با اطمینان بگوییم که اگر فردی غیر از او مقابل بایدن بود، این نامزد دموکرات‌ها می‌توانست ضعف کلامی خود را بپوشاند.»

این کارشناس مسائل آمریکا با اشاره به گزینه‌های محتمل جایگزینی بایدن در انتخابات پیش روی آمریکا، اظهار داشت: «معمولاً دموکرات‌ها بر بحث‌های حقوق بشر و حقوق اجتماعی تأکید زیادی دارند. کاملاً هریس معاون فعلی بایدن نیز به خاطر زن بودن و رنگین پوست بودنش، علاوه بر تجربیات اجرایی که دارد به عنوان یک گزینه محتمل مطرح می‌شود. عده دیگری نیز میشل اوباما، همسر رئیس جمهور و بانوی اول اسبق آمریکا را مطرح می‌کنند. میشل اوباما نیز تحصیلات حقوقی دارد، رنگین پوست وزن است، محبوبیت اوباما را با خود دارد اما تجربه اجرایی هریس را ندارد. اما اینکه چه کسی جایگزین بایدن خواهد شد، بحث ثانویه است. بحث ابتدایی و اصلی این است که رئیس جمهور ۸۱ ساله آمریکا می‌خواهد در انتخابات بماند یا کنار گیری کند که فعلاً به صورت مصرانه‌ای قصد ماندن در رقابت را دارد.»

**بایدن موافقان و منتقدان قدرتمندی دارد**



**امیرعلی ابوالفتح، کارشناس مسائل آمریکا** به خبرنگار «هم‌میهن» گفت: «آقای بایدن با ۸۱ سال سن، در حال حاضر پیرترین رئیس جمهور آمریکاست. اگر در انتخابات ریاست جمهوری بماند، پیرترین نامزد انتخابات نیز خواهد بود. اگر در ۲۰ ژانویه ۲۰۲۵ سوگند ریاست جمهوری بخورد، تا ۸۵ سالگی رئیس جمهور خواهد بود و رکورد خود را خواهد زد. بایدن به دلیل شرایط سنی، ضعیف شده است. برخی متخصصان معتقدند که او در آستانه زوال عقل قرار دارد. پنجشنبه در کنفرانس خبری، زلنسکی، رئیس جمهور اوکراین را پوتین خطاب کرد و دنیا به او خندید. در حالی که بر خی امیدوار بودند در این نشست خبری، قوی ظاهر شود و خاطره ضعف در مناظره با ترامپ را کم‌رنگ کند. با این شرایط، دموکرات‌ها نگران هستند که رئیس جمهور بایدن نتواند از پس ترامپ در این انتخابات بر بیاید. در نظرسنجی‌ها هم بایدن شانس بالایی ندارد. برخی معتقدند عملکرد دولتش نیز به گونه‌ای نیست که برگ برنده او باشد. تمام این دلایل باعث می‌شود چهره‌های درون حزب دموکرات به او فشار بیاورند که از انتخابات کنار برود قبل از اینکه دیر شود و همه چیز از دست برود.»

او ادامه داد: «کنوانسیون ملی بعدی حزب دموکرات ۱۹ تا ۲۲ اگوست (۲۹ مرداد تا ۱ شهریور) برگزار می‌شود. اگر بایدن در این زمان باقی مانده از رقابت کنار برود، به دموکرات‌ها این فرصت را می‌دهد که جانشینی برای او

**اجماع علیه مصاف**

بگیرند. پیش از برگزاری دور اول انتخابات نیز فیلمی از علی اکبر رافتی پور منتشر شد که در آن اعلام کرد، به سعید جلیلی رای خواهد داد.

**موج انحلال مصاف**

به نظر می‌رسد که موج انحلال مؤسسه مصاف، بیشتر از سمت اکانت‌های توییتری مربوط به جناح قالیباف پیگیری می‌شود. آن‌ها معتقدند که جریان رافتی پور و این مؤسسه با تخریب قالیباف در جریان انتخابات مجلس و ایجاد دودستگی در میان نیروهای انقلابی (اصولگرا) و دامن زدن به دوگانه‌های درون‌گفتمانی، یکی از پایه‌های شکست رئیس مجلس در انتخابات ریاست جمهوری شد. این دوگانه با حمایت اکانت‌های مصافی از جلیلی نیز عمیق تر شد. هسته مرکزی تحلیل آنان، این است که تحلیلگران پیش از انتخابات می‌گفتند در دوگانه میان جلیلی و پزشکیان، رای آوری جلیلی محال است و آرای خاکستری به سمت نامزد اصلاح‌طلبان خواهد رفت. اما در دوگانه میان قالیباف و پزشکیان به خصوص در دور دوم، شانس خود را بالاتر می‌دانستند. آن‌ها می‌گویند این جریان یکی از پایه‌های تفرقه در میان نیروهای اصولگرا در دور اول انتخابات و بخشی از آن فضا سازی بودند که به زعم آنان، باعث عدم کنار گیری سعید جلیلی از رقابت شد. اکانت شخصی رافتی پور و اکانت‌های وابسته به او در جریان انتخابات، در خدمت ستاد جلیلی و مشغول به تخریب گسترده پزشکیان بودند. با بالا رفتن انتقادها و موج انحلال مصاف در شبکه‌های اجتماعی، اسناد مالی مؤسسه رافتی پور، یک بار دیگر در توییتر (ایکس) و تلگرام دست به دست چرخید. شایعات درباره این شخص و مؤسسه تحت مدیریت او نیز به طور فزاینده‌ای وجود دارد. برخی از احتمال برخورد قضایی با او نوشته‌اند. برخی دیگر مدعی شدند که رافتی پور به دستور مقام قضایی، حق خروج از تهران را ندارد. هنوز مشخص نیست که کدام‌یک از این اخبار صحیح و کدام‌یک نادرست است. اکانت رسمی رافتی پور در توییتر، تمام این اخبار را تکذیب و اعلام کرد که به علت سخنرانی‌های محرم زمان پاسخگویی به این شایعات را ندارد.

**بازنشر یک ویدئوی سخنرانی**

روز گذشته یک ویدئو از سخنرانی رافتی پور منتشر شد که مربوط به جلسات محرم سال ۱۴۰۲ و مکان آن احتمالاً مسجد صاحب‌الزمان (عج) در شادآباد تهران است. این سخنران اصولگرا در این سخنرانی مدعی شد که ریاست جمهوری مسعود پزشکیان را سه سال و نیم قبل (انتخابات ۱۴۰۰) پیش‌بینی کرده است. براساس خبری که تا بابتک منتشر کرد، این ادعا مربوط به توییتهایی است که او در جریان انتخابات سیزدهم منتشر کرده بود.

**گروه خبر:** طی روزهای گذشته و پس از مشخص شدن نتیجه انتخابات ریاست جمهوری، موجی علیه مؤسسه مصاف و شخص علی اکبر رافتی پور در شبکه‌های مجازی راه افتاد. این موج را می‌توان مرحله دوم درگیری‌های داخلی اصولگرایان با رافتی پور معروف به استاد دانست. پیش از برگزاری دور دوم انتخابات مجلس، اسناد مالی مؤسسه مصاف (متعلق به رافتی پور) که در جریان گزارش هیئت تحقیق و تفحص مجلس از بانک‌های دولتی به دست آمده بود، به‌طور عمومی منتشر شد. رافتی پور معتقد بود که این مسئله سیاسی است و یک ویدئو نیز در توضیح گردش حساب‌های مؤسسه‌اش منتشر کرد. چرا که براساس این اسناد ورود و خروج پول به حساب‌های این مؤسسه و انتقال مبالغی به حساب‌های اعضای خانواده او، اتهام پولشویی در افکار عمومی متوجه او شده بود. با سقوط بالگرد رئیس جمهور و درگیر شدن کشور با آن خبر و برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، مسئله رافتی پور موقتاً پایگانی شد. اما با شکست جبهه موسوم به انقلاب در این انتخابات، رافتی پور و مؤسسه‌اش بار دیگر در فضای مجازی مطرح شدند و این بار انحلال مصاف در مرکز توجه قرار گرفت.

**جریان تخریب قالیباف**

رافتی پور در فضای مجازی بسیار تأثیرگذار است. ده‌ها اکانت با دنبال کننده بالا به خصوص در شبکه ایکس (توییتر) در تیم او دست‌نبدی می‌شوند. اکانت‌های شناخته‌شده‌ای که یا با هویت واقعی فعالیت می‌کنند یا اسامی مستعار دارند و با آن نام شناخته شده هستند اما نقطه مشترک همه‌گی آنان، پیروی از جریان رافتی پور و در اختیار داشتن اکانت‌های تأیید شده (دارای تیک آبی) است. این اکانت‌ها و صداها اکانت ناشناس در جریان انتخابات مجلس دوازدهم، بیشترین تأثیر در تخریب قالیباف را داشتند. تخریب رئیس مجلس به شدت از سوی آن‌ها پیگیری می‌شد و افشاکاری‌های فراوانی درباره او کردند که هنوز هم مشخص نیست کدام‌یک درست و کدام‌یک نادرست بود. انتخابات ریاست جمهوری چهاردهم که به صورت ناگهانی و زود هنگام سر رسید، با اوج این تخریب‌ها هم‌زمان بود. سایت مشرق - نزدیک به یک نهاد نظامی - روز ۲۹ اردیبهشت یک گزارش مفصل از گردش حساب‌های رافتی پور را منتشر و فردای آن روز، بالگرد رئیس جمهور در جنگل‌های روزقان سقوط کرد. این جبهه که نام خود را جبهه انقلاب گذاشت، دیگر فرصتی برای حل اختلافات نداشت. تادیروز قالیباف از نظر این جریان عجیب و غریب سیاسی، مهره‌ای نامطلوب بود و در تخریب او از هیچ امکانی نگذشته بودند و حالا در مقابل دوگانه جلیلی - قالیباف که دوگانه اصلی اصولگرایان بود، نمی‌توانستند با چرخشی دوهشتاد درجه‌ای، حتی به صورت تاکتیکی پشت سر قالیباف قرار

و دولت ایجاد شده است به این سادگی پرشده نیست. آنچه که باقی مانده گره‌های فرو افتاده‌ای در کار کشور و ملت است که گویی فقط با معجزه می‌توان آنها را گشود. «و معجزه گفت‌وگو را یکی از آن کلیدواژه‌های مهم پزشکیان عنوان کرد: «امید، هم‌سفره‌گی با مردم، رفع تبعیض، پاک‌دستی و ایجاد وحدت ملی و البته پیاده‌سازی برنامه‌های نظام، همگی کلیدواژه‌های مطرح شما در گفت‌وگوهای تان بوده است که امید آن می‌رود تحقق یابند. «فیاضی از لزوم رفع تبعیض هم گفت: «رفع تبعیض یعنی استفاده از شایستگیان و متخصصان، یعنی در صدر نشاندن نخبگان و هنرمندان، یعنی طرد فرصت‌طلبان، یعنی نصب‌العین کردن احترام به کرامت انسان، یعنی نفی قبیله‌سالاری. شایسته است که خط قرمز دولت شما احترام به آحاد مردم و حقوق انسانی آنها باشد. چه آنها که همراه شما بوده‌اند چه آنها که در برابر شما هستند و چه آنها که با شما و انتخابات قهر بودند و وحدت ملی صرفاً با نگاه به هسته سخت قدرت حاصل نمی‌شود.»



انتظارات را هم بیان کرد: «از شما انتظار داریم به جای کپنه‌مدیران جاخوش کرده روی صندلی‌ها، به نسل جدید اعتماد کنید. از شما خواهش می‌کنم که نگذارید شما را از اعتماد به جوان‌ترها بترسانند، نگذارید به بهانه تجربه و رزومه و توانایی و سابقه و... شما را از شکستن حلقه بسته مدیران ناکارآمد ۴۰ ساله بترسانند. رفتاری‌های امروز مردم و کشور حاصل عملکرد آنهاست. به نسل بعد اعتماد کنید و مطمئن باشید که اینهایی که از هیچ برای شما و برای ایران‌رای ساختند، بهتر از آن قبلی‌ها می‌توانند کشور را اداره کنند.»

**شهروندی مسئله امروز جامعه**

**الهام فتاری، سخنگوی ستاد استان تهران** هم در جمع فعالان ستادی تأکید کرد: «امسال در تحلیل انتخابات درباره‌ی نسل‌ها و ناهم‌اندی‌های بین‌نسلی و نبود پیل ارتباطی میان نسل‌ها گفته‌اند. زمان آن است که در پیامی گره‌چگی نسل‌ها باورها و خواسته‌های متفاوت دارند ولی یاران و یاوران شما نفع‌تپها زنان و مردان زاده دهه‌های بیست و سی و چهل، فرهنگتان و کارگران، جانبازان و رزمندگان، کارآموزگان و بانزشتگان، بلکه از متولدان دهه‌های ۵۰، ۶۰ و ۷۰ هستند، بسیاری از ما که هنوز اشک شوق جوانی‌مان برای ساختن دو خرداد در چشم‌مان و رنج‌ها در دل‌مان بر جا مانده است در جست‌وجوی گذشته تاریخی‌مان، «قانون»، درس خواندیم، کار کردیم، باورمند زیستیم ولی هر بار عده‌ای کار، شوق و امیدهایمان را از ما گرفته‌اند. «او تأکید کرد که نه اقلیت یا اکثریت بلکه شهروندی؛ مسئله امروز است. مسئله ایران باز خواستی درباره حق و البته مسئولیت شهروندی است که نیروی پیشران آن به‌ویژه زنان و جوانان هستند ولی تحولی فراگیر و چندنسلی است.

**لرزم ننی قبیله‌سالاری**

**بهرام فیاضی** دیگر سخنران این مراسم هم تأکید کرد: «ایران ما در سایه سیاست‌های غلط، حکمرانی ناصواب، به کار گماردن کوتاه‌امتان به جای نخبگان، انحصار در منابع عظیم ملی اعم از ثروت قدرت و منزلت، دوقطبی کردن‌های مخرب، حاکم کردن دروغ، ریا و نفاق و مهم‌تر از همه قیمت‌گذاری بر شرافت، میهن‌دوستی و دینداری به وضعیتی دچار شده که همه شاهد آن هستیم، سرمایه اجتماعی از بین‌رفته و شکافی که میان ملت